

## خوانشی بر روابط تاریخی عبدالملک با امام سجاده علیه السلام

عباس میرزایی<sup>۱</sup>

### چکیده

این مقاله به بررسی رابطه عبدالملک بن مروان، به عنوان یکی از مقتدرترین خلفاء اموی، و امام سجاده علیه السلام، به عنوان رهبر جامعه شیعیان می‌پردازد و تلاش می‌کند این دوره بیست ساله را بر اساس گزارش‌های گوناگون مورد تحلیل رفتاری قرار دهد. این موضوع افزون بر آشکار کردن جایگاه سیاسی امام سجاده علیه السلام، از منظری فراتر می‌تواند راهی برای فهم فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی شیعیان در نیمه دوم سده نخست هجری باشد. پرسش بررسی شده این است که عبدالملک در طول دوران بیست ساله حکومت خود چه سیاست و سبک رفتاری با امام سجاده علیه السلام داشته است؟ آیا می‌توان رابطه‌ای تمام سفید، همان‌گونه که منابع اهل سنت می‌گویند، یا رابطه‌ای تمام سیاه، همان‌گونه که منابع شیعه می‌گویند، تصور کرد؟ به نظر می‌رسد می‌توان دو الگوی رفتاری متفاوتی برای ارتباط میان آن دو تصور کرد. عبدالملک تا اواخر خلافت خود، رفتاری مناسب و تعامل‌گونه با امام سجاده علیه السلام داشت؛ ولی از اوایل دهه نود، سبک رفتاری خود با امام را تغییر داد و فشارها و سخت‌گیری‌های جدی برای حضرت ایجاد کرد. از این رو این پژوهش عمدتاً با بررسی منابع تاریخی، به این نتیجه دست یافت که سیر رفتار عبدالملک نسبت به امام سجاده علیه السلام، با رفتاری تعاملی شروع و با رفتاری تقابلی به اتمام رسید. دستاوردی که بر پایه شرایط سیاسی - اجتماعی امام سجاده علیه السلام، می‌تواند در فهم بسیار از تحولات رهبری شیعه در این دوره، نقش مؤثری داشته باشد.

### کلیدواژه‌ها

امویان، تاریخ اهل بیت، عبدالملک بن مروان، امام سجاده علیه السلام.

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۳،

پاییز ۱۳۹۹

۹۵

۱. استادیار دانشگاه شهید بهشتی، ایران، تهران: a.mirzaei@sbu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۲

## مقدمه

عبدالملک بن مروان، از پرنفوذترین و باثبات‌ترین خلفای اموی است که نقش زیادی در احیا و استمرار این خلافت داشته است. او خلافت اموی را پس از کشمکش‌های درونی بسیار از میان جنگ‌ها، فتنه‌ها و آشوب‌ها احیاء کرد. دوره خلافت حدوداً بیست‌ساله او، یعنی از حوالی سال ۶۵ تا ۸۶، طولانی‌ترین دوران خلافت برای یک خلیفه در طول دوران سلسله امویان است. این مدت دقیقاً همراه است با دوران امامت امام سجاده علیه السلام (۶۰-۹۴) که امام و رهبر جامعه شیعی به شمار می‌رود. حال این سؤال مطرح است که ارتباطات عبدالملک با امام سجاده علیه السلام، چگونه بوده است؟ عبدالملک در طول ایام خلافت چه رفتارهایی با امام سجاده علیه السلام، داشته است؟ آیا می‌توان یک سیاست مشخص از سوی عبدالملک در قبال امام سجاده علیه السلام به دست آورد؟ به نظر می‌رسد سیاست‌های عبدالملک نسبت به امام سجاده علیه السلام از الگوی مشخصی پیروی نمی‌کند و وابسته به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی امام سجاده علیه السلام است. از این رو، نمی‌توان سیر مشخصی در این باره تعیین کرد؛ ولی این آشکار است که رفتارهای عبدالملک، از اول تا اواخر خلافتش، از رفتاری مثبت به امام سجاده علیه السلام حکایت دارد؛ اما حدود اوایل دهه نود، رفتاری منفی و سلبی اتخاذ می‌کند که فهم این سیاست‌ها، بر فهم شرایط سیاسی - اجتماعی امویان و شخص امام سجاده علیه السلام توقف دارد.

پژوهش‌های انجام شده پیرامون امام سجاده علیه السلام، درباره جایگاه و نظرات سیاسی امام سجاده علیه السلام بحث کرده‌اند. مانند اثر معروف رسول جعفریان با نام حیات فکری سیاسی امامان شیعه یا «جهاد الامام سجاده علیه السلام» نوشته محمدرضا جلالی، که شاخص‌ترین آثار در این باره است؛ ولی هیچ‌کدام به طور خاص، درباره امام و عبدالملک بحث نکرده‌اند. مقالاتی هم در با عنوان «اندیشه سیاسی امام سجاده علیه السلام» (رکابیان، ۱۳۹۳: ۱۷-۴۰)، «اصول سیاست خارجی در سیره سیاسی امام سجاده علیه السلام» (رخشه و شجایی، ۱۳۹۴: ۴۳-۶۲) و «سرفصل‌هایی از حرکت سیاسی امام سجاده علیه السلام در نهضت کربلا» (حسینی، ۱۳۸۱: ۳۷۶-۴۰۸) نگاشته شده که درباره اندیشه و سیره سیاسی امام سجاده علیه السلام است؛

## پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۳،

پاییز ۱۳۹۹

ولی این مقالات نیز به مواضع عبدالملک و امام نپرداخته‌اند. همه این‌ها به برخی از گزارش‌های مرتبط با امام سجاد علیه السلام و عبدالملک اشاره کرده‌اند؛ ولی اینکه بر اساس گزارش‌های تاریخی به دنبال فرضیه‌ای از این ارتباطات باشند، در این پژوهش‌ها دیده نمی‌شود؛ اما مقاله‌ای به نام «پیگیری سیری تاریخی از تعامل تا تقابل امویان با امام سجاد علیه السلام» از عباس میرزایی منتشر شده است (میرزایی، ۵۷-۷۰). این مقاله، نزدیک‌ترین اثر پژوهشی انجام شده به مقاله حاضر است؛ چراکه نویسنده تلاش کرده مناسبات امام سجاد علیه السلام با امویان، در طول ۳۴ سال امامت حضرت را مورد پژوهش قرار دهد. بخشی از این مقاله درباره عبدالملک و امام سجاد علیه السلام است که طبیعتاً نویسنده به اقتضائات حجمی، تنها اشاره‌ای به رابطه این دو کرده؛ ولی مقاله حاضر، آنچه از گزارش‌ها در منابع بوده را مورد بررسی قرار داده است. در آن مقاله، تنها پنج بند کوتاه در بحث تعاملات امام سجاد علیه السلام و امویان درباره عبدالملک و امام سجاد علیه السلام است که البته نظریه درستی نیست که نویسنده در آن مقطع به آن رسیده است. در مقابل، این مقاله با پژوهش‌های تاریخی، رجالی و حدیثی گسترده‌تر، دو سال بعد منتشر می‌گردد که اساساً رابطه بیست‌ساله عبدالملک و امام سجاد علیه السلام را به دو مقطع تقریباً ده‌ساله تقسیم کرده است. دوره نخست، تعاملات مثبت عبدالملک با امام سجاد علیه السلام و ده سال دوم، دوره تقابلات عبدالملک با حضرت.

به‌رحال این موضوع از جهات گوناگونی حائز اهمیت است و قدمی در پژوهش‌های تاریخی و سیره‌ای مرتبط با امام سجاد علیه السلام به شمار می‌رود؛ چراکه یک موضوع خاص را به‌صورت جزیی و موشکافانه، مورد بحث قرار می‌دهد و نشان‌دهنده یکی از خطاهای آشکار در منابع تاریخی و تراجم نگاری اهل سنت است. افزون بر اینکه، عموماً منابع تاریخی همواره تصویری یک‌دست از عبدالملک و امام سجاد علیه السلام، ارائه می‌دهند و تلاش می‌کنند رابطه‌ای قابل احترام در طول خلافت عبدالملک، با وی ترسیم کنند. از منظر دیگر، اهمیت این موضوع از این قرار است که نوع رفتارهای عبدالملک با امام سجاد علیه السلام طبیعتاً بر اساس رفتارهای سیاسی و اجتماعی امام بوده است. از این‌رو طرح دقیق و

## پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۳،

پاییز ۱۳۹۹

تاریخی ارتباط عبدالملک با امام سجاد علیه السلام، به طور عموم، راهی برای فهم و ارائه تحلیل‌هایی که ناظر به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی امام است و روی دیگر سکه وضعیت سیاسی - اجتماعی جامعه شیعه در نیمه دوم سده نخست به شمار می‌رود. در واقع این مقاله، در پی این هدف است که بگوید: ایده پژوهش‌های قبل را باید به چالش کشید و به شکل دیگری به ارتباطات امویان، با امام سجاد علیه السلام نگریست. این که باید با داده‌های بیشتری به دنبال طرحی متفاوت از رابطه میان عبدالملک و امام سجاد علیه السلام بود و نمی‌توان صرفاً با چند گزارش، طرحی را برای چگونگی یک ارتباط بیست‌ساله در انداخت. براین اساس تلاش شده با کمک گزارش‌های گوناگون از منابع تاریخی، حدیثی و رجالی، موضوع، مورد بررسی قرار گیرد.

## پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۳،  
پاییز ۱۳۹۹

۹۸

در این میان، گفتن سه نکته ضروری است: نخست اینکه این مقاله، به بررسی تک‌تک گزارش‌ها از نظر درستی اعتقادی یا تاریخی، نخواهد پرداخت؛ چراکه تقریباً تمام این گزارش‌ها، همانند اکثر قریب به اتفاق گزارش‌های تاریخی، جزء اخبار آحاد است. اخباری ظنی که به خودی خود قابل اعتماد نیستند. از این رو این مقاله تلاش کرده با روش جمع‌آوری شواهد و قرائن، در نظر گرفتن فضای ارتباطی و بدون نگاه به اصل خبر، ایده خود را پیگیری کند و تلاش کند تصویری متفاوت از رابطه امام سجاد علیه السلام و عبدالملک را طرح نماید. به عبارت دیگر طراحی اصل سیر تاریخی ارتباط عبدالملک با امام سجاد علیه السلام، دغدغه این مقاله است و گرنه آشکار است که هر کدام از گزارش‌ها، با توجه به منابع آن‌ها، به خودی خود، می‌تواند مورد نقدهای تاریخی یا اعتقادی قرار گیرد که خارج از هدف این پژوهش است و البته در جای خود ارزشمند. نکته دوم، درباره زمان‌گذاری این گزارش‌هاست. گزارش‌های تاریخی، معمولاً بدون زمان نقل می‌شوند و زمان‌گذاری آن‌ها بسیار دشوار است؛ ولی در این پژوهش، تلاش شده با کمک شواهد درونی یا بیرونی این گزارش‌ها، ترتیبی تقریبی از گزارش‌ها، بر اساس زمان احتمالی واقعه، و بر مدار سال ۸۲ (سال وفات ابن حنفیه)، ارائه کند. نکته سوم، درباره واژه «تعامل» است. باید توضیح داد

که این واژه از باب تفاعل است و معنای غالب آن مشارکت است.<sup>۱</sup> البته «تعامل» در علوم مختلف، معانی مختلفی دارد. مثلاً یکی از معانی مطرح در جامعه‌شناسی، بحث «کنش متقابل» است (آگبرن، ۴۷۶) یا مفهومی که از آن به «تداخل کردار» یاد شده است (فرهادی، ۶۳۹). «رابطه متقابل» یا «اقدام متقابل» هم، معنای دیگری است که درباره «تعامل» گفته شده است. (فرهادی، ۶۳۹). در این مقاله، واژه «تعامل» به همین معنای، در نظر گرفته شده است؛ یعنی رفتاری که عبدالملک با امام دارد، در پرتو رفتاری است که از امام مشاهده می‌کند. بر اساس نگاه و گزارش‌های تاریخی، وقتی امام، نقشی در رهبری سیاسی جامعه ندارد و امور، به هر میزان، به عهده محمد بن حنفیه است، سیاست عبدالملک نسبت به امام آرام و گشاده‌دستانه است؛ ولی وقتی امام بعد از مرگ محمد بن حنفیه، جایگاه سیاسی پیدا می‌کند، سیاست عبدالملک تقابلی و متناسب با رفتاری است که امام سجاده علیه السلام از خود نشان می‌دهد. ضمن این که چون جایگاه عبدالملک، به مثابه یک خلیفه، در این پژوهش موضوعیت دارد، رفتارهای وی با امام سجاده علیه السلام، از منظر نهاد حکومت مورد بررسی قرار خواهد گرفت. براین اساس گزارش‌هایی که مرتبط با ارتباطات خانوادگی، اقتصادی یا حتی دینی - حقوقی است نیز از منظر نهاد حکومت، نوعی رفتار سیاسی تلقی شده‌اند.

### تعاملات مثبت عبدالملک با امام سجاده علیه السلام

عبدالملک بن مروان طبق نظری، از اقوام امام سجاده علیه السلام است؛ چراکه یکی از دختران امام علی علیه السلام از همسران عبدالملک به شمار می‌رفته است (بلاذری، ۱۹۹/۷). اگر این گزارش صحیح باشد، پس عبدالملک شوهر عمه امام سجاده علیه السلام است. البته از جهت دیگری هم میان این دو رابطه خانوادگی برقرار است. عبدالملک داماد عبدالله بن جعفر بن ابی طالب، همسر زینب، بنت علی بن ابی طالب؟ ع؟ نیز می‌باشد و حضرت زینب

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۳،

پاییز ۱۳۹۹

۹۹

نیز عمه امام سجاده علیه السلام به شمار می‌رود. در کنار این رابطه خویشی، عبدالملک خاطره خوبی از امام سجاده علیه السلام دارد. او در دوران پدر، شاهد این موضوع بود که امام سجاده علیه السلام، به مادرش (عایشه، ام ابان، دختر عثمان) و خانواده‌اش در جریان قیام حره پناه داد (در این باره ر.ک: ابوالفرج اصفهانی، ۵۳/۱؛ طبری، تاریخ الامم: ۳۷۲/۴) و در مقابل، شاهد بود که چگونه پدرش تلاش کرده که امام سجاده علیه السلام را از دست مسلم بن عقبه، فرمانده یزید در این قیام، نجات دهد (ر.ک: طبری، تاریخ الامم: ۳۷۹/۴).

عبدالملک از همان آغاز روی کار آمدن، تلاش کرد با امام سجاده علیه السلام ارتباط برقرار کند؛ ولی گویا امام چندان توجهی به عبدالملک نداشت. در گزارشی از قول امام باقر علیه السلام نقل شده که در طوافی امام سجاده علیه السلام، بی توجه به حضور عبدالملک، مشغول عبادت بود. عبدالملک وقتی متوجه حضرت شد، بعد از طواف دستور داد که او را بیاورند و با بیان این که (احتمالاً به قصد اظهار تأسف) در قتل امام حسین علیه السلام، نقشی نداشته از علت بی توجهی به خود سؤال نمود. حضرت در پاسخ گفت: قاتل پدرم، دنیا را از او گرفت؛ ولی پدرم آخرت او را خراب کرد. اگر تو نیز دوست داری چنین شوی، پس باش. عبدالملک با انکار چنین کاری، هدف از جلب امام را تنها، بهره دادن از دنیای خود عنوان کرد (ابن حمزه طوسی، ۳۶۵-۳۶۶؛ قطب الدین راوندی، ۲۵۵-۲۵۶).

عبدالملک هم چنان در صدد جذب امام بود که فرصت آن را در ماجرای پرسش امام از مصرف مالی که مختار به حضرت داده بود، به دست آورد. امام برای این که شائبه ارتباطی میان او و جریان مختار نباشد، بعد از به قدرت رسیدن عبدالملک (حوالی سال ۶۵)، درباره اموالی که مختار به حضرت داده بود تعیین تکلیف کرد. ماجرا از این قرار بود که مختار در ایام خلافت، صد هزار درهم به امام سجاده علیه السلام هدیه داد؛ ولی حضرت آن را

## پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۳،

پاییز ۱۳۹۹

۱۰۰

۱. عبدالله دختری داشته به نام ام ابیها که همسر عبدالملک بوده است (بلاذری، ۱۹۹/۷؛ طبری، تاریخ الامم: ۵۱۲/۵) و عبدالملک در دوران خلیفگی اش وی را طلاق داده است. (ابن عساکر، ۲۰۳/۷۰).

مصرف نکرد و احتمالاً به خاطر نگرانی‌هایی از سوی مختار یا...، آن را به مختار نیز بازنگردانده بود. بعد از به خلافت رسیدن عبدالملک، آن مال هم چنان نزد امام بود و امام در نامه‌ای به عبدالملک خواهان ارجاع آن به وی می‌شود؛ ولی عبدالملک آن را نمی‌پذیرد و آن را ملک حضرت دانسته که خود ایشان باید مصرف کند (ابن سعد، ۲۱۳/۵؛ ابن عساکر، ۳۷۷/۴۱).

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۳،

پاییز ۱۳۹۹

۱۰۱

رفتار مناسب عبدالملک، با واگذاری صدقات به امام سجاد علیه السلام ادامه پیدا کرد. عبدالملک بعد از رسیدن به قدرت، صدقات پیامبر صلی الله علیه و آله و علی بن ابی طالب علیه السلام را باهم، به امام سجاد علیه السلام واگذار کرد و حتی در برابر دیگر هاشمیان در این مسئله ایستادگی کرد (شیخ مفید، الإرشاد: ۲/ ۱۴۹-۱۵۰؛ ابن شهرآشوب، ۳/ ۳۰۸). یکی از مخالفان که نزد عبدالملک دادخواهی کرد، عمر بن علی بن ابی طالب بود؛ ولی عبدالملک درخواستش را رد نمود<sup>۱</sup> و همچنان از تولی (سرپرستی) علی بن حسین علیه السلام بر صدقات دفاع کرد. مخالفان واگذاری صدقات به امام سجاد علیه السلام تلاش کردند که حجاج بن یوسف ثقفی (والی مدینه در ۷۳-۷۵) را علیه امام تحریک کنند. حجاج امام را تحت فشار قرار داد که بخشی از صدقات را به دیگر هاشمیان واگذار کند که با مخالفت‌های امام روبرو شد. سرانجام امام مجبور شد در نامه‌ای جریان را برای عبدالملک بیان کند و وی هم حجاج را از این موضوع بازداشت (ابی نصر بخاری، ۹۷).

عبدالملک، همواره از امام در مقابل حجاج دفاع می‌کرد. در این باره می‌توان به

۱. عبدالملک با رد درخواست عمر بن علی چند بیت شعر از اشعار ابن ابی الحقیق را برایش خواند: «إِنَّا إِذَا مَالَتْ دَوَاعِي الْهَوَى وَأَنْصَتِ السَّمَاعُ لِلْقَائِلِ وَاضْطَرَعَ النَّاسُ بِالْبَائِبِهِمْ نَقَضِي بِحُكْمِ عَادِلٍ فَاصْبِرْ لَا نَجْعَلُ الْبَاطِلَ حَقًّا وَلَا نُظُّ دُونَ الْحَقِّ بِالْبَاطِلِ نَخَافُ أَنْ تَنْفَعَهُ أَخْلَامُنَا فَتَحْمِلَ الدَّهْرَ مَعَ الْخَامِلِ». ترجمه: آن‌گاه که انگیزه‌های نفسانی متمایل شوند و شنونده برای گوینده دم فروبندد و مردم با عقل و اندیشه به مبارزه پردازند، در آن هنگام به حکم عادلانه و پایان دهنده قضاوت می‌کنیم. باطل را حق قرار نمی‌دهیم و حق را با باطل نمی‌پوشانیم. از آن می‌ترسیم که عقل و اندیشه ما به سفاهت گراید و در روزگار به فراموش شدگان بپیوندیم. «بلذری، ۲۳۰/۷-۲۳۱».

نامه‌نگاری عبدالملک و حجاج اشاره کرد. در منابع، نقل شده که حجاج فشارهایی بر امام سجاد علیه السلام و دیگر شیعیان وارد می‌کرد. حجاج در نامه‌ای به عبدالملک خواهان به قتل رساندن امام سجاد علیه السلام شده بود. عبدالملک در پاسخ، حجاج را از ریختن خون آل ابی طالب بر حذر داشته است؛ زیرا بنی‌حرب (سفیان) به خاطر همین مسئله ملک و پادشاهی را از دست دادند (بلاذری، ۲۳۳/۷؛ یعقوبی، ۳۰۴/۲؛ مسعودی، ۱۷۰/۳). این خبر به امام سجاد علیه السلام رسید و حضرت برای عبدالملک این‌گونه فرمود:

«خداوند به عبدالملک (به سبب این کارش) پاداش داد و به همین جهت حکومتش طولانی خواهد شد».

امام نامه‌ای به عبدالملک می‌نویسد و خبر می‌دهد که رسول خدا در خواب این‌گونه گفته است (صفار، ۴۱۷؛ شیخ مفید، الاختصاص، ۳۱۴-۳۱۵؛ قطب الدین راوندی، ۱/۲۵۶؛ اربلی، ۲/۳۲۳-۳۲۴).

رفتار تعامل‌گونه عبدالملک با امام، در جنبه‌های مالی نیز ادامه داشت. او از نظر مالی توجهاتی به امام می‌کرد که به برخی از گزارش‌های آن اشاره شد؛ ولی قابل توجه آنکه ظاهراً عبدالملک برای امام مقرری وضع کرده بود (در این باره ر.ک: ابن شهر آشوب، ۳/۳۰۲-۳۰۳). از سوی دیگر، گزارشی نقل نشده که امام علیه السلام آن را نمی‌گرفت و اگر امام آن را اخذ نمی‌کرد حتماً گزارش‌های آن ثبت می‌شد؛ هم‌چنان که برای برخی از تابعین مشهور، که عبدالملک برای آنان نیز مقرری وضع کرده بود و آنان از گرفتن آن خوداری کرده بودند، گزارش‌هایش ثبت شده است (برای نمونه ر.ک: ابن سعد، ۵/۱۲۸).

این رفتار مناسب عبدالملک، با احترام بسیار او در سفر امام سجاد علیه السلام به شام، امتداد پیدا کرد. ابن شهاب زهری (م. ۱۲۴)، از تابعین مشهور و عالم معروف دربار اموی، گزارش کرده که با علی بن حسین علیه السلام در دمشق، پیش عبدالملک رفته است. عبدالملک آثار عبادت در چهره حضرت را بزرگ شمرده و به تعریف پرداخت است. امام علیه السلام در پاسخ تعاریف عبدالملک آن را لطف خدا دانسته و آنچه او ذکر کرده را لطف خدا، تائید و توفیقهش دانسته که کجا کسی می‌تواند شکر و سپاس آن را به جای آورد و

## پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۳،

پاییز ۱۳۹۹

سپس در این باره سیره‌ای از رسول خدا ﷺ بیان کرد. حضرت در ادامه از عجز خود در شکرگذاری خداوند متعال سخن‌هایی گفت. رفتار و سخنان حضرت باعث تغییر حال و گریه عبدالملک شد. عبدالملک سپس از نیازهای مالی حضرت و علت آمدنش پرسیده و وساطت امام را درباره کسانی که واسطه شده بود، پذیرفت و مبلغ هنگفتی در اختیار ایشان گذاشت (سید بن طاووس، ۱۷۰-۱۷۱).

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۳،

پاییز ۱۳۹۹

۱۰۳

عبدالملک در این ایام که رابطه خوبی با امام دارد، حتی در امور مملکت‌داری و سیاست هم با امام سجاد علیه السلام، مشورت می‌کند. مسائل اقتصادی خلافت یکی از حوزه‌هایی به شمار می‌رود که امام، طرف مشورت عبدالملک بوده است. برخی از منابع تاریخی، علی‌رغم گزارش‌های خلافی که درباره آن نیز نقل شده، عبدالملک را نخستین خلیفه اسلامی می‌دانند که به دستور او، ضرب سکه‌های اسلامی صورت گرفت. ظاهراً این اتفاق در سال ۷۶، به وقوع پیوسته است (ابن قتیبۀ، المعارف: ۳۷۵). این منابع ذکر می‌کنند که دینار و درهم، تا پیش‌ازین دوران رومی بود؛ ولی به دستور عبدالملک بر اساس سنت عربی (صفدی، ۱۴۰/۱۶) و رونوشت‌های اسلامی (ذهبی، ۱۴۱/۶)، ضرب شد (هم‌چنین ر.ک به: ابن عساکر، ۱۷/ ۱۹۵-۱۹۶). گذشته از درستی یا نادرستی این گزارش‌ها، و البته زمان دقیق آن، و اینکه در این باره گزارش‌های خلاف دیگری نیز روایت شده، مهم این است که برخی از همین منابع، گزارش داده‌اند که عبدالملک در این باره، امام سجاد علیه السلام را به دمشق فراخواند و از حضرت مشاوره گرفت (در این باره ر.ک: ابن عساکر، ۳۶۰/۴۱. ابن کثیر، ۱۲۲/۹). این سفر، احتمالاً همان سفری است که عبدالملک با تجلیل از امام سجاد علیه السلام استقبال کرده است.

افزون بر این در حوزه مسائل حقوقی هم عبدالملک برخی از مسائل را از امام سؤال می‌کرده است. به‌عنوان نمونه، می‌توان به این گزارش اشاره کرد که عبدالملک در قالب نامه‌ای از امام، درباره شهادت اهل ذمه بر خودشان سؤال کرد. امام علیه السلام با ذکر حدیثی از پیامبر از طریق پدر و جدشان، آن را پاسخ داده‌اند (قاضی نعمان مغربی، ۵۱۴/۲). هم‌چنین گفتنی است که درباره مسائل تاریخی مرتبط با پیامبر صلی الله علیه و آله، نامه‌نگاری‌هایی

میان عبدالملک و امام سجاد علیه السلام صورت پذیرفته است (ابن ابی شیبہ کوفی، ۳/ ۴۰۴؛ محمد بن جریر طبری، جامع البیان: ۲۹/ ۲۲). از آن سو نیز امام سجاد علیه السلام، به هر دلیلی، از یکی از همسران عبدالملک، دختر عبدالله بن جعفر بن ابی طالب، نقل روایت کرده است. طبرانی، ۳۱۱-۳۱۲).

شاید اوج این رفتار مناسب عبدالملک به امام سجاد علیه السلام را بتوان در تلاش او برای وصلت با امام سجاد علیه السلام دانست. عبدالملک راغب بود که یکی از دخترانش را به ازدواج امام سجاد علیه السلام دریاورد؛ ولی امام از پذیرفتن آن خودداری کرد (ابن شهر آشوب، ۲/ ۴۲). احتمالاً هم از این رو بوده که عبدالملک نسبت به ازدواج حضرت با کنیز یا ام ولدی واکنش منفی نشان داده است (ابن سعد، ۵/ ۲۱۴؛ ابن قتیبة، المعارف: ۲۱۵).

در امتداد همین رفتار عبدالملک است که منابع مختلف، تعریف‌های زیادی از قول عبدالملک درباره امام سجاد علیه السلام نقل کرده‌اند. یکی از گزارش‌هایی که مکرر در منابع اهل سنت آمده، بحث ارتباط محبت آمیز و احترامی است که عبدالملک نسبت به امام سجاد علیه السلام داشته است. این که امام سجاد علیه السلام یکی از شخصیت مورد احترام و اکرام در میان هاشمیان، نزد عبدالملک بن مروان بوده است (ابن سعد، ۵/ ۲۱۵؛ ابن عساکر، ۴۱/ ۳۷۱-۳۷۲؛ ذهبی، ۱۴۰۷: ۶/ ۴۳۲). از وی نقل شده که می‌گفت: علی بن حسین، فراتر از جایگاهی است که مردم برای ایشان قرار داده‌اند (بلاذری، ۳/ ۳۲۵).

### تعاملات منفی عبدالملک با امام سجاد علیه السلام

به مرور رفتار تعاملی و مناسب عبدالملک بن مروان، تغییر کرد. امام سجاد علیه السلام از دوره‌ای به بعد، آن جایگاه سابق را نزد خلیفه عبدالملک نداشت. زمان دقیقی برای این تغییر رفتار عبدالملک نمی‌توان مشخص کرد؛ ولی احتمالاً بعد از مرگ محمد بن حنفیه (م. ۸۱ یا ۸۲)، جایگاه ویژه‌ای که امام سجاد علیه السلام میان شیعیان پیدا کرد، بی‌تأثیر در تغییر دیدگاه عبدالملک نسبت به امام سجاد علیه السلام نیست. به نظر می‌رسد نصب هشام بن اسماعیل، پدرخانم عبدالملک (۸۲-۸۶) بر مدینه، می‌تواند به‌عنوان نشانه‌ای از این

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۳،

پاییز ۱۳۹۹

۱۰۵

تغییر رفتار، مورد ارزیابی قرار گیرد. او شخصیت خشنی داشت و نسبت به مخالفان خلافت، سخت می‌گرفت. برای نمونه‌ای تاریخی، می‌توان به این گزارش اشاره کرد که عبدالملک از موضوعی که در منابع، سخنی از آن به میان نیامده و احتمالاً درباره مسائل سیاسی و فعالیت‌های زیریان و علویان علیه امویان باشد، بسیار خشمگین شد. از این رو به هشام بن اسماعیل نامه نوشت که آل علی و آل عبدالله بن زبیر را احضار کند و از آن‌ها بخواهد که شتم و سب علی علیه السلام و عبدالله بن زبیر کنند. هر دو گروه وصیت‌های خود را نوشته و با این تصمیم مخالفت کردند و به‌گونه‌ای آمادگی خود را برای مرگ اعلام داشتند. این واکنش هیچ تغییر در نظر هشام ایجاد نکرد؛ بلکه مصمم‌تر و با مشورت اطرافیان، تصمیم گرفت که هر دو گروه را در مسجدالنبی احضار کند و بخواهد که آل عبدالله بن زبیر، علی علیه السلام و آل علی علیه السلام، عبدالله بن زبیر را شتم و سب کنند. از آل علی علیه السلام اولین کسی که احضار شد، حسن مثنی بود. او پوستی نرم و لطیف داشت و در آن روز هم، لباس کتان نازکی به تن کرده بود و بعد از آن که از شتم آل زبیر خودداری کرد، مورد ضربه تازیانه‌های اموی قرار گرفت و خون از بدنش سرازیر شد.<sup>۱</sup> بر خلاف وی، عبدالله پسر محمد بن حنفیه، شتم زبیر کرد. ظاهراً هشام به دنبال امام سجاد علیه السلام بود ولی حضرت به خاطر بیماری یا تمارض در این جلسه حاضر نشد. از خاندان زبیر هم کسانی دیگر شتم علی علیه السلام کردند به‌غیر از عامر پسر عبدالله بن زبیر<sup>۲</sup> که در جلسه حاضر نشد؛ حتی زمانی هم که هشام بن اسماعیل وی را احضار نمود از شتم علی علیه السلام خودداری کرد (ابن عساکر، ۶۸/۱۳؛ ابن عدیم، ۲۳۲۱/۵-۲۳۲۲؛ هم چنین ر.ک: صفدی، ۳۱۹/۱۱). رفتارهای خشن هشام با مخالفان ادامه داشت. او سعید بن مسیب را به‌عنوان یکی از چهره‌های

۱. جالب این جاست که یکی از دختران حسن مثنی به نام زینب، (ابن سعد، ۳۱۹/۵) و یکی از نوه‌هایش

به نام نفیسه از همسران ولید بن عبدالملک، پسر عبدالملک، بوده است (ابی نصر بخاری، ۲۹).

۲. وی از موافقان علی بن ابی طالب و از مخالفان لعن و سب حضرت بوده است. از وی گفته‌هایی در

مخالفت با این شیوه امویان و رفعت مقام علی علیه السلام گزارش شده است. در این باره ر.ک: جاحظ، بی

تا، ص ۲۸۴؛ ابن قتیبه، عیون الاخبار: ۲/۲۳؛ ابن عبدالبر، ۱۱۱۸/۳.

شاخص تابعین، مورد آزار قرار می‌داد (ابن کثیر، ۸۶/۹). سعید، رفتار ضد اموی داشت و آشکارا مخالفت‌های زیادی با خلافت می‌کرد (در این باره ر.ک: ابن سعد، ۱۲۸/۵؛ خلیفه بن خیاط، ۲۲۳-۲۲۴). یکی دیگر از شخصیت‌های شاخصی که مورد آزار هشام قرار گرفت، علی بن حسین علیه السلام بود (ابن کثیر، ۸۶/۹). بدون تردید این اذیت‌های مخالفان، آن هم اذیت دو تن از بزرگ‌ترین تابعین، بدون هماهنگی و اجازه عبدالملک نبوده است. روشی که همچنان عبدالملک ادامه می‌داد.

این رفتار منفی عبدالملک به امام را می‌توان در اواخر دوره حکومت او آشکارا دید. منابع، گزارشی از بی‌احترامی عبدالملک به امام سجاده علیه السلام و عدم پذیرش حدیث ایشان، گزارش کرده‌اند. در این گزارش نقل شده که یکی از نظامیان عبدالملک در فتح شهری با واقعه‌ای روبرو می‌شود. عبدالملک در بررسی این ماجرا از ابن شهاب زهری (م. ۱۲۴)، درخواست نظر می‌کند. زهری نظرش را بر اساس حدیثی از امام سجاده علیه السلام بیان می‌کند. عبدالملک با رد این نظر، ابن شهاب و امام سجاده علیه السلام را متهم به خطا و دروغ‌گویی می‌کند. ابن شهاب درستی و نادرستی این روایت را بر عهده امام سجاده علیه السلام می‌گذارد و این که عبدالملک، احتمالاً طبق مشاوره‌هایی که قبلاً از امام سجاده علیه السلام می‌گرفته، می‌تواند در این باره از علی بن حسین علیه السلام سؤال کند. عبدالملک هم در پاسخ با زبان کنایه و توهین پاسخ می‌دهد که نیازی به سؤال از فرزند ابی تراب ندارد (جوهری، بی تا: ۴۵-۴۳)، این گزارش آشکارا از رویکرد منفی عبدالملک، به امام سجاده علیه السلام حکایت دارد که احتمالاً می‌توان آن را سوء ظن عبدالملک نسبت به فعالیت‌های سیاسی امام، تفسیر کرد.

درباره این سوء ظن‌های سیاسی عبدالملک به امام سجاده علیه السلام، می‌توان به این گزارش نیز اشاره کرد: وی به دنبال به دست آوردن شمشیر رسول الله صلی الله علیه و آله بوده است (شمشیری که می‌توانسته نشانه و مشروعیتی برای خلافتش باشد). به عبدالملک اطلاع دادند که شمشیر رسول خدا صلی الله علیه و آله در نزد علی بن حسین علیه السلام است. کسی را نزد امام فرستاد تا شمشیر را به وی دهد و در عوض از او چیزی بخواهد. امام از پاسخ به درخواست او

خودداری کرد. عبدالملک در نامه‌ای که به آن حضرت نوشت، تهدید کرد که از بیت المال مقزری او را قطع خواهد کرد (ابن شهرآشوب، ۳/ ۳۰۲-۳۰۳). به نظر می‌رسد، این اصرار بر دریافت شمشیر رسول‌الله ﷺ از امام سجاد علیه السلام به این خاطر بوده که در نگاه شیعیان، این شمشیر (شمشیر پیامبر ﷺ)، نشانه امامت است و هر کسی که آن را دارد (صاحب آن)، در واقع مدعی امامت و رهبری است (برای نمونه ر.ک، صفار، ۱۹۴-۲۱۰).

گرچه طبق گزارش‌های موجود از امام سجاد علیه السلام، فعالیت‌های آشکار سیاسی دیده نمی‌شود؛ ولی به نظر می‌رسد حضرت، چنین فعالیت‌هایی داشته‌اند و این فعالیت‌ها بی‌ارتباط با این ماجرای گرفتن شمشیر نبوده است؛ به‌ویژه این که حساسیت‌های عبدالملک نسبت به امام سجاد علیه السلام، به‌گونه‌ای شد که عبدالملک، احتمالاً در سال‌های پس از مرگ محمد بن حنفیه (م. ۸۲/۸۱)، دستور بازداشت امام و احضار ایشان را به‌شام صادر کرد. در این گزارش نقل شده که ماموران عبدالملک به دستور وی، امام را با چندین نگهبان و همراه با غل‌وزنجیر، از مدینه به شام می‌برند. در این ماجرا زهری (م. ۱۲۴)، شفاعت امام را می‌کند و به عبدالملک می‌گوید که علی بن الحسین علیه السلام آن طوری که تو گمان می‌کنی (یعنی در فکر به‌دست آوردن خلافت و فعالیت، علیه خلافت) نیست. او به خود و کار خویش مشغول است (در این باره ر.ک: ابن عساکر، ۴۱/ ۳۷۲-۳۷۳؛ ابن حمزه طوسی، ۱۴۱۲: ۳۵۳-۳۵۴؛ ابن شهرآشوب، ۳/ ۲۷۵). این شواهد نشان می‌دهد که حضرت در سال‌هایی از دوران امامت، به‌طور خاص، یعنی پس از مرگ محمد بن حنفیه (م. ۸۲/۸۱) تا سال ۸۶ (سال مرگ عبدالملک بن مروان)، فعالیت‌های قابل توجهی در حوزه سیاسی و اجتماعی و حتی مسائل مرتبط با شیعیان داشته است.

سخت‌گیری‌های عبدالملک به‌گونه‌ای بوده که در بحث بیعت عبدالملک برای پسرش ولید (حک: ۸۶-۹۶)، امام مخالفت آشکاری با آن نکرد. در سال ۸۴، عبدالعزیز بن مروان برادر عبدالملک، به‌عنوان تنها نامزد جانشینی عبدالملک بن مروان، در مصر از دنیا می‌رود و عبدالملک دو پسرش ولید و سلیمان را به‌عنوان ولیعهد معرفی می‌کند. او از والیان در شهرهای مختلف می‌خواهد که از مردم برای آن دو بیعت بگیرند. این ماجرا

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۳،

پاییز ۱۳۹۹

۱۰۷

در جمادی سال ۸۴، یعنی اولین سال ولایت هشام بن اسماعیل در مدینه واقع شده است. مخالفت با این جانشینی، مسئله مهمی بود. از میان مخالفانی که نام برده شده‌اند، می‌توان به سعید بن مسیب اشاره کرد که مخالفت او با واکنش بسیار تند والی عبدالملک روبرو شد. وی بعد از مخالفت و عدم بیعت از سوی هشام بن اسماعیل، والی عبدالملک در مدینه، با اهانت، شلاق و زندان مواجهه شد.<sup>۱</sup> درباره امام سجاده علیه السلام هم، گزارشی مبنی بر مخالفت حضرت با جانشین عبدالملک، نرسیده است؛ اما گزارش شده که هشام، والی مدینه، با امام سجاده علیه السلام برخورد‌های بدی داشته و حضرت و سعید بن مسیب را مورد آزار و اذیت قرار داده است. گزارش شده که هشام بن اسماعیل، حضرت و هم چنین سعید بن مسیب را مورد آزار و اذیت قرار داده است (ذهبی، ۲۱۴/۶-۲۱۵). از سوی دیگر، همان‌گونه که اشاره شد، منشا رفتار هشام با سعید، بازگشت به مسائل سیاسی دارد؛ از این روست که احتمالاً مواضع هشام، به‌عنوان نماینده امویان در مدینه علیه امام، بر اساس مخالفت با امویان و مواضع ضد اموی حضرت باشد. این موضوع دور از نظر نیست، به‌ویژه این که هشام، به پشتوانه عبدالملک، ابایی از هیچ رفتاری علیه مخالفان در مدینه نمی‌کرد. به‌رحال گزارش دیگری از رفتارهای عبدالملک، با امام نقل نشده تا این که وی در سال ۸۶، از دنیا می‌رود و امتداد همین رفتارهای سختگیرانه و سوءظنانه از سوی فرزندش ولید، نسبت به امام سجاده علیه السلام امتداد پیدا می‌کند تا این که سرانجام در دوره ولید حضرت به شهادت می‌رسد.

## پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۳،

پاییز ۱۳۹۹

۱۰۸

۱. خلیفه بن خیاط، ۲۲۳-۲۲۴؛ ابن سعد، ۱۹۳۰؛ ۵/۱۲۵-۱۲۶؛ بلاذری، ۷/۲۵۶-۲۵۷؛ طبری، تاریخ الامم: ۲۱۰/۵-۲۰۹؛ البته گفتنی است که این جریان را طبری برای سعید بن مسیب با عین عبارت در دوران ابن زبیر، افزون بر دوران عبدالملک، نیز نقل کرده است. طبری، تاریخ الامم: ۲۱۰/۵؛

## نتیجه

این مقاله با هدف بررسی رابطه بیست‌ساله عبدالملک بن مروان و امام سجاده علیه السلام تدوین یافت. در منابع شیعه و اهل سنت دودسته گزارش به صورت کلی، تصویری از این رابطه ارائه می‌دهند. در منابع اهل سنت گزارشی انعکاس یافته که این رابطه را بسیار دوستانه می‌کند. از سوی دیگر گزارش‌های خلافی، در منابع شیعه نقل شده که رابطه این دو را تیره‌وتار تفسیر می‌نماید. این ابهام همواره در مطالعات شیعه‌پژوهشی پیرامون امام سجاده علیه السلام و عبدالملک وجود داشته است. پژوهش‌های انجام شده در صدد ارائه ایده‌ای، برای حل این چالش نبوده‌اند. ایده پی گرفته شده در این مقاله، بر اساس جمع شواهد و قرائن گوناگون در منابع مختلف تاریخی، حدیثی و رجالی، این است که احتمالاً رابطه این دو در پرتو یک سیر از تعامل تا تقابل باید پی گرفته شود و به عبارت دقیق‌تر، تعاملی مثبت تا تعاملی منفی. توضیح آن که فضای سنگین بعد از عاشورا اجازه هیچ‌گونه فعالیت دیگری علیه بنی‌هاشم را از سوی امویان نمی‌داد. از سوی دیگر، امام سجاده علیه السلام، کاملاً در حاشیه سیاسی و اجتماعی جامعه زندگی می‌کرد و بزرگ جامعه شیعه، شخص محمد بن حنفیه بود. ازین‌رو سخت است که عبدالملک در تلاش باشد که سیاست‌های سخت‌گیرانه‌ای علیه امام سجاده علیه السلام را دنبال کند. از قضا شواهد تاریخی نشان می‌دهد که در اوایل حکومت عبدالملک، وی رفتاری محترمانه با امام سجاده علیه السلام دارد. همانند متولی صدقات کردن امام، مشخص کردن حقوق از طرف حاکمیت و... ولی بعد از مرگ محمد بن حنفیه، و عهده‌داری جامعه شیعه توسط امام سجاده علیه السلام، یعنی در اوایل دهه نود هجری (۸۲ به بعد)، رفتار حاکمیت اموی با امام سجاده علیه السلام هم تغییر کرد. این تغییر علت دیگری هم داشت و آن گرایش بخشی از پیروان ابو‌هاشم، رهبر جدید کیسانیان پس از محمد بن حنفیه، به امام سجاده علیه السلام است. پیروانی که جزء جریان‌های جهادی شیعه در سده نخست، بشمار می‌آمدند. نتیجه این اتفاقات، تغییر استراتژی رفتار عبدالملک با امام سجاده علیه السلام است. اگر این گزارش‌ها صحیح باشد، که البته شواهد تاریخی هم به آن کمک می‌کند، مانند فشارهای هشام بن

پژوهش‌نامه  
تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۳،

پاییز ۱۳۹۹

۱۰۹

اسماعیل، والی مدینه، به امام سجاده علیه السلام در اوایل دهه نود، و هم چنین تلاش عبدالملک برای اخذ نشانه‌های امامت از امام سجاده علیه السلام و...، احتمالاً گزارش‌هایی که تقابل عبدالملک با امام سجاده علیه السلام را می‌رساند، مانند دستگیری و احضار حضرت به شام، همگی باید در اواخر خلافت عبدالملک باشد. این تقابل با بررسی بخش دیگری از فعالیت‌های امام، همچون ارتباط گسترده با شیعیان کوفه، تلاش‌ها برای جداسازی شیعه از جریان‌های عمومی اسلامی از طریق گسترش اندیشه برائت و هم چنین برجسته‌سازی تفاوت‌های فقهی، توجه به تربیت و آموزش متکلمان، به‌عنوان تئوریسین‌های اعتقادی در جامعه و...، بسیار معنادار می‌شود که بررسی هر کدام از این‌ها پژوهشی مستقلی را می‌طلبد.

---

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

---

سال چهارم، شماره ۳،

پاییز ۱۳۹۹

## منابع

- ابن ابى شيبه كوفى، عبدالله بن محمد، المصنف، تحقيق سعيد اللحام، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٩.
- ابن اثير، عز الدين ابن الاثير، الكامل فى التاريخ، بيروت، دار صادر، ١٩٦٥م.
- ابن حمزة الطوسى، الثاقب فى المناقب، تحقيق نبيل رضا علوان، چاپ دوم، قم، مؤسسه أنصاريان للطباعة و النشر، ١٤١٢.
- ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى (الكبير)، تحقيق احسان عباس، بيروت، دار صادر، ١٩٣٠م.
- ابن شهر آشوب، ابى عبدالله محمد بن على، مناقب آل أبى طالب، تحقيق لجنة من أساتذة النجف الأشرف، نجف، المكتبة الحيدرية، ١٣٧٦.
- ابن عبد البر، الاستيعاب، تحقيق على محمد، البجاوى، چاپ اول، دار الجيل، بيروت، ١٤١٢ق/١٩٩٢م.
- ابن عساکر، ابى القاسم على بن الحسن ابن هبة الله بن عبدالله الشافعى، تاريخ مدينه دمشق، تحقيق على شيرى، بيروت، دار الفكر، ١٩٩٥م.
- ابن قتيبة دينورى، ابى محمد عبدالله بن مسلم، المعارف، تحقيق ثروت عكاشة، مصر، دار المعارف، ١٩٦٩م.
- ابن قتيبة دينورى، ابى محمد عبدالله بن مسلم، عيون الاخبار، تحقيق يوسف على طويل، بيروت، دار الكتب العلمية، ٢٠٠٣م.
- ابن كثير، إسماعيل بن كثير دمشقى، البداية و النهاية، تحقيق على شيرى، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤٠٨.
- ابو الفرج الأصفهاني، الأغاني، بيروت، دار إحياء التراث العربى، بى تا.
- ابو نصر البخارى، سر السلسلة العلوية، تحقيق السيد محمد صادق بحر العلوم، قم، انتشارات شريف الرضى، ١٤١٣.
- اربلى، ابى الحسن على بن عيسى بن ابى الفتح، كشف الغمه فى معرفه الاثمه، بيروت، دار الاضواء، ١٩٨٥م.
- آگبرن، ويليام، زمينه جامعه شناسى، ترجمه اميرحسين آريانپور، تهران، دهخدا، ١٣٥٣ش.

## پژوهش نامه تاريخ تشيع

سال چهارم، شماره ٣،

پاييز ١٣٩٩

١١١

- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، انساب الاشراف، تحقیق محمد حمیدالله، مصر، دار المعارف، ۱۹۵۹م.
- جاحظ، العثمانیة، تحقیق عبد السلام محمد هارون، دار الكتاب العربی، مصر، بی تا.
- جوهری، احمد بن عبید الله بن عیاش، مقتضب الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر، قم، مكتبة الطباطبائی، بی تا.
- حسینی، سید غلامحسین حسینی، سرفصل هایی از حرکت سیاسی امام سجاد علیه السلام در نهضت کربلا، مجله حکومت اسلامی زمستان ۱۳۸۱ ش - شماره ۲۶، صفحه - از ۳۷۶ تا ۴۰۸.
- خلیفه بن خیاط العصفری، تاریخ خلیفه بن خیاط، تحقیق سهیل زکار، بیروت، دار الفکر، بی تا.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، تاریخ الإسلام، تحقیق عمر عبد السلام تدمری، چاپ اول، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۰۷.
- رخشه، جلال و جبار شجاعی، اصول سیاست خارجی در سیره سیاسی امام سجاد علیه السلام، فصل نامه سیاست بهار ۱۳۹۴ ش - شماره ۳۳، صفحه - از ۴۳ تا ۶۲.
- رکیبان، رشید، اندیشه سیاسی امام سجاد علیه السلام، پژوهش نامه تاریخ، مستان ۱۳۹۳ ش - شماره ۳۷، صفحه - از ۱۷ تا ۴۰.
- سید ابن طاووس، علی بن موسی، فتح الأبواب، تحقیق حامد الخفاف، بیروت، چاپ اول، مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۹.
- شیخ مفید (منسوب)، محمد بن النعمان، الاختصاص، تحقیق علی اکبر غفاری، بیروت، دار المفید، ۱۹۹۳م.
- شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن النعمان، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تحقیق مؤسسة ال البيت علیهم السلام، چاپ دوم، دار المفید، ۱۴۱۴.
- صفار، محمد بن الحسن بن فروخ، بصائر الدرجات، تحقیق میرزا حسن کوچه باغی، تهران، مطبعة الأحمدي، ۱۴۰۴.
- صفدی، صلاح الدین ابوالصفاء خلیل بن ایبک بن عبدالله سیفی، الوافی بالوفیات، تحقیق احمد الارناؤوط و ترکی مصطفی، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۴۲۰.
- طبرانی، الدعاء، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، چاپ ۱، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۳.

## پژوهش نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۳،

پاییز ۱۳۹۹

- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، تحقیق خلیل المیس، دار الفکر، بیروت، (۱۴۱۵/۱۹۹۵م).
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم والملوک، چاپ چهارم، بریل، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۸۳م.
- فهادی، کاظم، واژگان اقتصادی وزمینہ‌های وابسته، پیشبرد، ۱۳۷۱.
- قاضی نعمان مغربی، دعائم الإسلام، تحقیق آصف بن علی أصغر فیضی، قاهره، دار المعارف، ۱۹۶۳م.
- قطب الدین الراوندی، الخرائج والجرائح، تحقیق مؤسسه الإمام المهدی، قم، مؤسسه الإمام المهدی، ۱۴۰۹.
- مسعودی، مروج الذهب ومعادن الجوهر، چاپ دوم، قم، منشورات دار الهجرة، ۱۴۰۴.
- میرزایی، عباس، پیگیری سیری تاریخی از تعامل تا تقابل؛ امویان و امام سجاد علیه السلام، مجله پژوهش‌های تاریخی، سال ۵۷، دوره جدید، سال چهاردهم، شماره اول (پیاپی ۵۲)، بهار ۱۴۰۱، ص ۵۷-۷۰.
- یافعی، ابی محمد عبدالله بن اسعد بن علی بن سلیمان، مرآة الجنان وعبرة اليقظان، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۹۹۷م.
- یعقوبی، أحمد بن أبی یعقوب، تاریخ الیعقوبی، قم، المؤسسة نشر فرهنگ أهل بیت علیهم السلام، بی تا.

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۳،

پاییز ۱۳۹۹

